

یوهان ولفگانگ فون گوته

فاؤست

تراژدی، بخش دوم

ترجمه‌ی محمود حدادی



انتشارات نیلوفر

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Johann Wolfgang von Goethe

Faust

Der Tragödie Zweiter Teil

Reclam, Stuttgart 2000

سرشناسه	گوته، یوهان ولفگانگ فون، ۱۷۴۹-۱۸۳۲ م.
عنوان و نام پدیدآور	فاوست (تراژدی بخش دوم) / یوهان ولفگانگ فون گوته؛ ترجمه‌ی محمود حدادی.
مشخصات نشر	تهران: نیلوفر، ۱۳۹۷.
ملاحظات دیگری	۳۱۱ ص. ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س. م.
بک	978-964-448-758-3
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
داشت:	عنوان اصلی: <i>Faust: Der Tragödie erster Teil, 1968.</i>
موضوع	نمایشنامه آلمانی - قرن ۱۸ م.
موضوع	<i>German drama - 18th century</i>
شناسه افزوده	حدادی، محمود، ۱۳۲۶ - مترجم
شناسه افزوده	شکار، بهید بهشتی
رده‌بندی کنگره	۱۲۹۷ / ۲ / ۲۱۰۷ PT
رده‌بندی دیویی	۸۱۲/۶
شماره کتابشناسی ملی	۸۴۳۶۰



انتشارات نیلوفر خیابان انقلاب، خیابان دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۶۱۱۱۷

یوهان ولفگانگ فون گوته

فاوست

تراژدی، بخش دوم

ترجمه محمود حدادی

حروفچینی: شبستری

چاپ گلبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

شمارگان: ۷۷۰ نسخه

همه حقوق محفوظ است.

فروش اینترنتی: www.behanbook.ir

فهرست

یادداشت مترجم ۷

پرده ی اول

جایگاهی دلانگیز ۱۱
 کاخ شاهی - تالار بار ۱۴
 تالاری بزرگ با چندین شاه نشین ۲۴
 گردشگاه شاهی ۵۱
 دهلیز تاریک ۵۷
 تالارهای روشن ۶۲
 تالار شهسواران ۶۵

پرده ی دوم

پستویی تنگ، با طاقی‌هایی بلند، دلگیر و قرون وسطایی ۷۳
 آزمایشگاه ۸۱
 شب والپورگیز کلاسیک ۸۸
 پنثوس - خدای رود - در حلقه ی آب‌ها و پریان ۹۷
 در بالادست رود پنثوس ۱۰۵
 شاخه‌های دریای اژه ۱۲۱

پرده‌ی سوم

۱۳۵	در پیشگاه کاخ میناس در اسپارت
۱۵۶	درون برج
۱۶۸	بیشه‌ای پرسایه

پرده‌ی چهارم

۱۸۵	بلندی‌های کوهستان
۱۹۵	بر بلندی‌های کوهپایه
۲۰۹	خگاه قیصر دروغین

پرده‌ی پنجم

۲۲۱	دشتی با
۲۲۴	کاخ
۲۲۷	شب تاریک
۲۳۰	نیمه‌شب
۲۳۴	درگاهی بزرگ کاخ
۲۳۷	خاکسپاری
۲۴۴	دره‌ای تنگ در کوهپایه

پیوست‌ها

۲۵۳	فاؤست و مدرنیت
۲۵۵	از ناسازی و سازش فاؤست و مفیستو
۲۷۷	چکیده‌ی رویدادهای بیرونی نمایشنامه
۲۸۱	بی‌نوشت‌ها

یادداشت مترجم

«اگر ای چشم‌ها عمق این فاجعه را دریافتید،
گواهی خواهید داد که من چه دورنگر بوده‌ام.»
از فاؤست، بخش دوم، پرده‌ی پنجم

وصیت‌گفته بود که فاؤست، بخش دو، بعد از مرگ او به چاپ برسد. شاعر دلیل این تصمیم را برای ویلهلم فون هومباخ، دوبت‌فلسوف خود در نامه‌ای که آخرین نامه‌ی زندگی اوست، چنین شرح می‌دهد: «خوش‌تر داشتم در روزهای عمرم این شوخی‌های بسیار جدی را به دوستان‌ام تقدیم کنم. ما زمانه‌ی راستی پوچ و پریشان است، آن‌هم چندان که یقین دارم تلاش دیرپا و صبورانه‌ی من بر سر این بنای غریب، مزدی درخور نمی‌یابد و مانند کشتی‌ای شکسته در آس‌و‌پس‌ها در شن‌های ساحل زمان مدفون خواهد شد. جهان در غلبه‌ی دیدگاه‌های گمراه‌کننده‌ی است که پایه‌ی کنش‌هایی گمراه‌اند...»

نگرانی‌گفته که مبادا هموطنان‌اش درکی چندان از این کتاب برنگیرند. نتیجه تفاهمی با آن نشان ندهند، البته تا اندازه‌ای برمی‌گردد به ساختار متفاوت این بخش دوم تراژدی با بخش اول آن که داستانی یکپارچه دارد و شخصیت‌هایی لمس‌پذیر از دل جامعه‌ی آلمانی هم، شخصیت‌هایی جوان که فاجعه‌ی زندگی‌شان به همان نسبت تأثیری بیشتر عاطفی به‌جا می‌گذارد. درحالی‌که برعکس، بخش دوم بارزتر نشان پیرانه‌سری‌گونه را در خود دارد، و هرچند براساس سرشت بنیادین هنر همچنان

قصه وار است، اما این قصه ها - این فراوان قصه ها که هر یک تأملی بر گوشه ای از کار جهان دارد - بیشتر تمثیلی اند و در رابطه ای بینامتنی به گفت و گو با بسیاری آثار ادبیات جهانی، از اسطوره های یونانی گرفته تا کتاب مقدس، هزار و یک شب، کمدی الهی و ... درمی آیند. این ترکیب روایی متکی بر پیش دانش، اساس درک بخش دوم فاؤست را پیش از هر چیز بر تعقل می گذارد، بر چالش تعبیر تمثیل. از طرفی هم البته می دانیم که تمثیل گونه ای کهن و دلنشین در ادبیات همه ی فرهنگ ها و از این رو گوشت های آشناست؛ هر چند در سرشت معماوارش راه به درکی همیشه یکسان نمی ده.

در هر حال نگرانی گوته، در روزهای آخر عمر او به جا بوده است یا نه، امروزه دیگر توجیه خاص را از دست داده است. زیرا در این میان نمایشنامه ی فاؤست بسا به اندازهی صحاح آیین شرح و تفسیر، و عطف و ارجاع یافته است، امری که رهیافت به متن آن آسان و به روند مطالعه اش، با گشودن هر باره ی ارتباطی نو، غنایی به یقین دلنشین می بخشد.

واقعیت هر چه باشد، در هر چه این اثر همان بهتر که به توصیه ی خود گوته گوش بدهیم که در نقد هموطنان اش: «منشی خود را کرمان گفته است:» «این آلمانی ها در هر چیزی دنبال اندیشه ها و دیدگاه های عبقری می گردند و به این ترتیب زندگی را بر خود سخت می کنند. حضرات! یک بار هم سجاات را تخرج دهید و از برداشت هاتان فقط لذت ببرید و به شادی ای که به شما می بخشد، تن بسازید.»

و اما برای این که خواننده با دغدغه ای هر چه کمتر این تراجمی گوته را بپذیرد، روابط بینامتنی این نمایشنامه، با رعایت اختصار، به صورت زیر در انتهای این کتاب آمده است.

فاؤست، بخش دوم را می توان از دیدگاه هایی متفاوت خواند، از جمله از دیدگاه انسان شناسی و تاریخ پژوهی، طبیعت -، جادو -، اقتصاد و جامعه شناسی، دین و اسطوره پژوهی ... اما دفتر پیش رو توجیه خود را در ارائه متن نمایشنامه می بیند. بنابراین نمی تواند چندان جایی هم برای تفسیر آن از منظر دانش های گوناگون بالا در نظر بگیرد. باین حال چون عمده سرشت این نمایشنامه روایی و چنان که گفته شد

تمثیلی است، دادن تلنگری ذهنی به خواننده برای چشم‌انداز یافتنی هرچه بیشتر بر تنوع موضوعی آن، به گمان این قلم خالی از فایده نیامد. از این رود و تفسیر را - از دو نقدنویس کم اما گزیده گو - به این دفتر پیوست کرده است، یکی از منظر تاریخی، دیگری از منظر نقد جامع ادبی. این دو تفسیر روشنگر - براساس رسم - به انتهای دفتر پیوست شده‌اند، باین حال آگاهی از درون‌مایه‌ی راهگشای آن‌ها - حتی بهتر آن‌که پیش از رجوع به متن نمایشنامه! - یقین باعث خواهد شد این اثر کهن و درعین‌حال مدرن و بسا پست‌مدرن که چند شگرد پیشگامانه هم از رمان‌های جادویی - در خرد دارد، کمتر هزارتووار جلوه کند.

در پایان می‌ماند موضوع شخصی مترجم، و آن این‌که ترجمه‌ی این نمایشنامه تشویق مدبرانه‌ی محمد خدایانی - پسر توانه‌ی خود داشته است و تأکید آقای حسین کریمی، ناشر انتشارات نیلوفر - حاصل فایده باشد یا نه، رفع دین سپاس نمی‌کند، هرچند هم بر احساس مسئولیت افزوده باشد. سپاس نیز از بزرگواری استاد مصطفی هالکیان و نگاه نکته‌سنج دانشجویان یاشار دست‌پاک، نیما ایرانی خواه و زهرا خیری.